

دوره‌های تاریخی و مکاتب حقوق جزا □ ۴۵

پیشینه قوانین دادرسی کیفری در ایران تا کنون
قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰
قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۶۱
قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو در سال ۱۳۶۷
قانون تعیین موارد تجدیدنظر در سال ۱۳۶۸
قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۲
قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸
قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴)

گفتار دو؛ پیشینه حقوق جزای مدرن

جریان‌های روشنگری، روشنفکری و نگاه‌های انسان محور و اگزیستانسیالیستی، به دگرگونی اندیشه‌ها در همه زمینه‌های انسانی و اجتماعی، به ویژه در حقوق کیفری، سرعت بخشید. در این دوران اندیشمندان و فیلسوفان به بررسی‌های ژرف‌تری درباره موضوع‌های کیفری پرداختند. چاره‌جویی‌های آنها به ظهور و پیدایش مکتب‌ها و آموزه‌های جدید کیفری منجر شد. این مکاتب و آموزه‌ها عبارتند از: مکتب عدالت مطلق، مکتب کلاسیک، تحقیقی / اثباتی، مکتب‌های نئوکلاسیک، دفاع اجتماعی، نئوکلاسیک نوین (گرایش‌های نوظهور) و عدالت ترمیمی.

مکتب عدالت مطلق
پایه گذاران: ۱. امانوئل کانت آلمانی با آثاری چون: نقد عقل محض و نقد عقل عملی، رساله عناصر مابعد الطبیعه و نظریه حقوقی. ۲. ژوزف دومستر انگلیسی با آثاری چون: درباره پاپ، شب‌های سن پترزبورگ در باب حاکمیت. دستاوردها:
۱. تاکید بر مفاهیم اخلاقی در طراحی و اجرای حقوق کیفری
۲. توجیه مجازات بر مبنای اندیشه عدالت مطلق
۳. به زیان دیده از جرم وارد شده است و به اقتضای عدالت باید مجرم آن را بپذیرد.

مفهوم جرم و رکن قانونی آن □ ۱۱۱

- | | | |
|---|---|-------------|
| ۱. ذینفع بودن رضایت‌دهنده
۲. اهلیت داشتن رضایت‌دهنده
۳. واقعی و ارادی بودن رضایت
۴. روشن بودن رضایت
۵. هم‌زمان بودن رضایت با انجام‌دادن رفتار | } | شرایط رضایت |
|---|---|-------------|

۱. ذی‌نفع بودن رضایت‌دهنده

رضایت در جایی اثرگذار است که از ناحیه ذی‌نفع صادر و اعلام شده باشد. رضایت از جانب دیگری پذیرفتنی نیست مگر در کارهایی که نمایندگی / نیابت‌بردار است و نیابت شخص در اعلام رضایت محرز و مسلم باشد. منظور از ذی‌نفع / سودبرنده، کسی است که اگر رضایت نداشته باشد، در صورت ارتکاب جرم، مجنی‌علیه آن جرم شناخته می‌شود. اگر حق یکی باشد و صاحبان حق متعدد، اعلام رضایت همه آنها شرط است مگر آنکه حق مزبور تجزیه شدنی باشد و به طور نسبی رضایت بر رفع عنوان کیفری تأثیرگذار باشد.

۲. اهلیت داشتن رضایت‌دهنده

منظور از اهلیت، برخورداری شخص از ادراک و تمیز و قدرت اعمال اراده است. رضایت کسی که از قوه تمیز و اعمال اراده برخوردار نیست، همچون کودک، دیوانه و سفیه، مؤثر نیست. درباره چنین افرادی اعلام رضایت از سوی ولی یا قیم، با رعایت مصلحت مولی‌علیه، مؤثر خواهد بود.

۳. واقعی و ارادی بودن رضایت

اراده معیوب و غیرواقعی، رضایت را از بین می‌برد و آن را بی‌اثر می‌کند. کسی که در نتیجه اشتباه، فریب، اجبار و اکراه یا شوخی و مزاح نظری را ابراز و اعلام کرده باشد، راضی و اجازه‌دهنده به شمار نمی‌آید.

۱۲۰ □ مختصر حقوق جزای عمومی

$\left. \begin{array}{l} \text{جرم تام} \\ \text{جرایم ناتمام (ناقص): شروع به جرم، جرم محال و عقیم} \end{array} \right\}$	تقسیم بندی جرایم
	بر پایه رکن مادی

گفتار نخست؛ رکن مادی جرم تام

منظور از جرم تام، جرمی است که همه اجزا و شرایط آن در عالم خارج تحقق پیدا کرده و به نقض یک مقررہ جزایی خاص منجر شده باشد. جرم تام به اعتبار نتیجه به: جرم مقید و مطلق دسته بندی می شود. جرم مقید، جرمی است که رکن مادی آن به این اجزا و شرایط نیز دارد: رفتار مجرمانه (اعم از فعل یا ترک فعل)، نتیجه و رابطه سببیت. اما جرم مطلق تنها با ارتکاب رفتار رخ می دهد و نیازی به نتیجه و به تبع آن، رابطه سببیت ندارد.

$\left. \begin{array}{l} \text{فعل} \\ \left. \begin{array}{l} \text{ترک فعل مطلق} \\ \text{ترک فعل} \end{array} \right\} \\ \text{ترک فعل نتیجه دار / فعال} \end{array} \right\}$	۱. رفتار مجرمانه	$\left. \begin{array}{l} \text{اجزا رکن مادی} \\ \text{جرم تام مقید} \end{array} \right\}$
	۲. نتیجه مجرمانه	
	۳. رابطه سببیت / استناد / علیت	

بند نخست؛ رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه، رفتاری است که قانون گذار به حسب مورد و به موجب یک مقررہ / قاعده / هنجار کیفری، ترک یا انجام دادن آن را الزامی قرار داده باشد. برای نمونه، قانون گذار به موجب مقررات مربوط به قتل و قصاص، ترک قتل (انجام ندادن قتل)، به موجب مقررات سرقت، ترک دست اندازی بر مال دیگری (انجام ندادن دزدی) و به موجب ماده ۶۴۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵ ایفای تعهد مالی در برابر همسر و فرزندان (پرداخت نفقه) را الزامی قرار داده است. بر این پایه، رفتار مجرمانه ممکن است به صورت فعل (رفتار مثبت) و ترک فعل (رفتار منفی) بروز و ظهور پیدا کند. ترک فعل را می توان در دو لایه دسته بندی کرد: ترک فعل مطلق / بی نتیجه، و ترک فعل مقید / نتیجه دار. هر یک

رکن مادی جرم □ ۱۳۱

۱. قصد مجرمانه	مراحل تکمیل عملیات مجرمانه
۲. عملیات مقدماتی	
۳. ورود به عملیات اجرایی	
۴. ارتکاب جرم + حصول نتیجه (در جرایم ناتمام این جزء وجود ندارد)	

بند نخست؛ شروع به جرم

ممنوعیت و قابل مجازات بودن شروع به جرم در دوران پس از انقلاب برای قانون گذار تردیدآمیز بود و تا پیش از نسخه جدید ق.م.ا با فراز و فرود همراه بود. اما در قانون مزبور این موضوع تثبیت شد و به صورت عام و کلی درباره آن تعیین تکلیف گردید. بر اساس رویکرد نوین قانون گذار، شروع به جرائم مهم ممنوع و قابل مجازات است و همانند هر رفتار مجرمانه‌ای باید ارکان سه گانه: قانونی، مادی و معنوی آن را بررسی کرد. از این رو، هر یک از اینها را جداگانه می‌آوریم.

نخست؛ رکن قانونی شروع به جرم

هم اکنون ماده ۱۲۲ ق.م.ا رکن قانونی شروع به جرم است، به موجب این ماده: «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف. در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار؛

ب. در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج؛

پ. در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش؛

اقسام بزهکار به اعتبار نقش □ ۲۱۹

نکته: در تبصره ماده ۶۱۲ ق.م.ا ۱۳۷۵ مجازات معاون یک تا پنج سال حبس تعیین شده است. از آنجا که تبصره ۲ ماده ۱۲۶ قانون یاد شده موخر بر ماده ۶۱۲ ق.م.ا ۱۳۷۵ می باشد و در ماده ۴۴۷ ق.م.ا بر قابل اجرا بودن ماده ۶۱۲ و نه تبصره آن تاکید شده است و نیز اعمال تبصره ۲ مناسب تر به حال محکوم می باشد، باید تبصره ۲ یاد شده را ملاک عمل قرار داد.

در پیوند با مواد قانونی یاد شده در بالا برای تعیین مجازات معاون باید نکته های زیر را نیز مورد توجه قرار داد:

۱. این مجازات ها در همه موارد تعزیری محسوب می شوند.
۲. مجازات معاون معین و محدود است؛ یعنی معاون در چهارچوب ماده ۱۲۷ قانون یاد شده قابل مجازات است.
۳. مجازات معاون خفیف تر از مجازات مباشر است؛ به این ترتیب که چون در بیشتر موارد معاون نسبت به مباشر یا مباشرین جرم که به طور مستقیم در وقوع جرم نقش دارند، در تکوین بزه نقش کمتری ایفا می کند و نقش او فرعی و تبعی است، بایستی مجازات او خفیف تر از میزان مجازات مباشر و شریک جرم باشد. بنابراین، از جهت مجازات معاون در جرم، در مقایسه با شرکت در جرم، قانون گذار از «اندیشه نابرابری / ناهمسانی» معاون و مباشر پیروی کرده است، و به سخن دیگر، از جهت مجازات «اندیشه استقلال معاونت از مباشرت» را مورد توجه قرار داده است.
۴. منظور از مجازات شرعی، مجازاتی است که در شرع و منابع فقهی برای معاونت در نظر گرفته شده است. دو نمونه از مجازات های خاص شرعی عبارتند از: ممسک در قتل (کسی که در زمان ارتکاب قتل مقتول را گرفته باشد) و نظارت (دیده بانی / نگهبانی) در قتل.
۵. پیش از قانون اصلاحی ۱۳۹۹ برای معاونت در جرایمی که به طور خاص مجازات تعیین گردیده بود، همانند: معاونت موضوع بند ۴ ماده واحده قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل و تأسیسات هواپیمایی ۱۳۴۹؛ معاونت در قاچاق انسان موضوع تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳؛ و معاونت ماموران دستگاه های کشف یا وصول درآمدهای

۲۳۸ □ مختصر حقوق جزای عمومی

دختر ۹ تا ۱۸ سال (ماده ۹۱ ق.م.ا.)
همان طور که درباره پسران گفته شد طبق ماده ۹۱ قانون مزبور در این دسته از جرایم اگر دختر با سن بالای ۹ سال قمری تا ۱۸ سال تمام خورشیدی ماهیت جرم ارتكابی و حرمت جرم را تشخیص دهد و در کمال و رشد او شبهه‌ای نباشد به مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌شود، اما اگر شرایط مقرر در ماده ۹۱ ق.م.ا. وجود داشته باشد می‌توان او را به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در این ماده محکوم کرد.
با لحاظ قید «با توجه به سن آنها»، منظور از مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل، اعم از اقدامات و تصمیمات مقرر در ماده ۸۸ و یا مجازات‌های مقرر در ماده ۸۹ به تناسب سن آنهاست.

نکات جرایم اطفال و نوجوانان
به موجب ماده ۹۵ ق.م.ا.: محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.
در جرائم اطفال و نوجوانان امکان تخفیف، تبدیل، تعلیق و تعویق جرایم وجود دارد (مواد ۹۳ و ۹۴ ق.م.ا.).
مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم اطفال اعمال نمی‌شود (ماده ۱۳۸ ق.م.ا.).
امکان یک بار تجدید نظر در تصمیم دادگاه وجود دارد. به موجب ماده ۹۰ ق.م.ا.: «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست».

پرداخت خسارت جرایم اطفال و نوجوانان
به موجب ماده ۹۲ ق.م.ا.: «در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می‌کند».

گستره انتخاب مجازات مناسب □ ۳۵۵

- | | |
|--|-------------------------------|
| ۱. محکومیت قطعی پیشین، | } شرایط تکرار در جرائم تعزیری |
| ۲. عمدی بودن جرم و محکومیت پیشین، | |
| ۳. عادی بودن جرم و محکومیت پیشین (جرم سیاسی و یا جرایم اطفال نباشد)، | |
| ۴. تعزیری بودن مجازات و محکومیت پیشین (تعزیر درجه ۱ تا ۵)، | |
| ۵. عدم حصول اعاده حیثیت و یا عدم شمول مرور زمان، | |
| ۶. عدم شمول جهات سقوط مجازات، و | |
| ۷. ارتکاب جرم جدید (تعزیر درجه ۱ تا ۶) | |

معیار مجازات و محکومیت تعزیری، مجازات مندرج در حکم دادگاه است، نه مجازات قانونی جرم.

دو؛ پیامد تکرار جرم در تعزیر

تکرار جرم به عنوان یک کیفیت مشدده بر مجازات اثرگذار است و قانون گذار به تشدید مجازات مرتکب در مرحله دوم گرایش دارد. میزان تشدید مجازات در تکرار جرم از این قرار است: در حبس و جزای نقدی طبق ماده ۱۳۷ قانون اصلاحی ۱۳۹۹: «... حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند».

در جرایم مواد مخدر برای اعمال قاعده عام تکرار جرم که در ماده ۱۳۷ قانون اصلاحی ۱۳۹۹ پیش بینی شده است، به حسب مورد باید احکام خاص مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز باید ملاک عمل قرار گیرد. برای نمونه، در ماده ۹ این قانون مقرر شده است: «مجازات‌های مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم

۳۷۰ □ مختصر حقوق جزای عمومی

بر اساس صدر ماده ۴۹ ق.م.ا: «قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می‌گردد». همچنین به موجب ماده ۴۶ این قانون: «... دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید».

نکته: لازم به ذکر است: با توجه به اطلاق ماده ۴۶ قانون مزبور در صورت اجرای یک سوم هر یک از مجازات‌های تعزیری، اعم از حبس و غیر حبس، امکان تعلیق اجرای مجازات به حسب مورد به درخواست دادستان، قاضی اجرای احکام و یا محکوم وجود دارد.

به موجب ماده ۵۳ همان قانون: «در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می‌گردد. تبصره - در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود».

طبق قسمت اخیر ماده ۵۴ ق.م.ا: «دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجراء می‌شود». با لحاظ ماده ۴۸ ق.م.ا که در آن مقرر شده است: «تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد»، در تعلیق مراقبتی، همانند تعویق، مرتکب متعهد می‌گردد تدابیر مقرر در ماده ۴۲ ق.م.ا و دستورهای پیش‌بینی شده در ماده ۴۳ همان قانون را در مدت تعلیق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

در تعلیق اجرای مجازات، نه تنها ضرورتی برای صدور قرار تامین از متهم و محکوم وجود ندارد، بلکه قرار تامین و نظارت قضایی لغو می‌شود. طبق قسمت اخیر

۳۸۶ □ مختصر حقوق جزای عمومی

محکوم علیه موجب سقوط هر مجازاتی است، خواه شخصی باشد و خواه غیرشخصی. این دیدگاه با مبانی حقوق کیفری و مجازات سازگارتر است، زیرا، تحمیل مجازات در چنین جایی، هیچ یک از اهداف مجازات را تأمین نمی‌کند.

دو؛ تاثیر فوت بزهار بر قصاص و ديه

قصاص، اعم از قصاص نفس و عضو، از جمله مجازات‌های بدنی‌اند که با فوت محکوم امکان اجرای آنها از بین می‌رود و فوت محکوم بی تردید از موجبات سقوط قصاص است. اما بر اساس ۴۳۵ ق.م.ا قصاص تبدیل به ديه می‌شود.

تأثير فوت محكوم عليه بر قصاص و ديه
به موجب ماده یاد شده: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، ديه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند ديه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، ديه از بیت المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، ديه بر بیت المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ ديه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ ديه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، ديه گرفته شده را برگرداند».
تأثير فوت محكوم عليه بر ديه: بر اساس ماده ۴۷۴ ق.م.ا: «در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، ديه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت المال پرداخت می‌شود».
و نیز طبق ماده ۴۷۵ ق.م.ا: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت ديه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد ديه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد ديه از بیت المال پرداخت می‌شود».

۳۸۸ □ مختصر حقوق جزای عمومی

تأثیر جنون و اختلال روانی بر تعزیر: ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک	
هرگاه محکوم علیه در جرایم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود	تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد.
در مورد مجازات‌های تعزیری مالی	از اموال محکوم علیه وصول می‌شود (جنون تأثیری ندارد)
محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.	

دو: تأثیر جنون و اختلال روانی بر غیر تعزیر

از دید حقوقی، حکم صریحی در این زمینه وجود ندارد، در قسمت پایانی تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا مقرر شده است: «... نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست». از این عبارت ممکن است چنین استنباط شود، همان طور که «جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست»، مانع از اجرای قصاص نیز نیست، اما این برداشت با مبانی کیفری ناسازگار است، زیرا همان طور که گفته شد مجازات دیوانه، نه سودمند است و نه سزادهنده. به نظر می‌رسد با توجه به این که می‌توان در موارد عدم امکان قصاص دیه را جایگزین نمود، در اینجا قصاص تبدیل به دیه شود. مانع نبودن جنون از تعقیب و دادرسی هیچ دلالتی بر این ندارد که جنون مانع از قصاص نیست، به این معنا که تعقیب و رسیدگی انجام می‌شود ولی در نهایت حکم قصاص اجرا نمی‌شود و تبدیل به دیه می‌گردد.

در مورد حد نیز به طور صریح تعیین تکلیف نشده است، ظاهراً در فقه نظر مشهور بر این است که تعطیل کردن حد جایز نیست و حد باید اجرا شود ولی نظر غیر مشهور بر این است که حد ساقط می‌شود، زیرا، در چنین جایی برای اجرا و عدم اجرای حد تردید ایجاد می‌شود و بر اساس قاعده درأ باید از اجرای حد چشم پوشید. از دید قانونی صدر تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا، مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود»، به نظر

۴۰۴ □ مختصر حقوق جزای عمومی

شرایط عفو عمومی عبارتند از:
۱. وجود قانون خاص: همان طور که در ماده ۹۷ ق.م.ا تصریح شده است و پیشینه قانون‌گذاری نیز بر همین معنا دلالت دارد، اعطای عفو عمومی به وجود قانون خاص نیاز دارد.
۲. تعزیری بودن جرم و مجازات: اگر چه این شرط و عدم تسری آن به جرایم حدی و قصاصی جای درنگ دارد، قانون‌گذار این راهکار را به این دسته از جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده است.
۳. عدم ممنوعیت: به طور معمول در قانون مربوطه پاره‌ای از جرایم و مجازات‌ها از شمول عفو استثنا می‌شوند و بر همین اساس عفو جرایم و مجازات‌های استثنا شده را در بر نمی‌گیرد.
۴. تقدم وقوع جرم بر تصویب قانون عفو: عفو عمومی شامل جرایمی می‌شود که پیش از تصویب قانون عفو عمومی رخ داده‌اند و جرایم ارتكابی بعدی متهمان و محکومان جزایی را در بر نمی‌گیرد.

پیامدهای عفو عمومی از این قرارند:
۱. توقف تعقیب و مجازات: اگر پرونده منتهی به صدور حکم قطعی شده باشد، اجرای مجازات متوقف و در صورتی که شخص بازداشت باشد، آزاد می‌شود.
۲. از بین رفتن مجازات تبعی: عفو عمومی همه آثار و پیامدهای کیفری را از بین می‌برد. این معنا به طور صریح در ماده ۹۸ ق.م.ا مورد تاکید قرار گرفته است.
۳. عدم شمول مقررات تکرار جرم: از آنجا که عفو عمومی همه آثار تعقیب جزایی و مجازات را از بین می‌برد، جرم ارتكابی بعدی کسی که مشمول عفو شده است، به عنوان جرم ابتدایی به شمار می‌آید و مقررات تکرار جرم درباره او قابل اجرا نخواهد بود.
۴. لزوم جبران خسارت زیان دیده و پرداخت دیه: همان طور که در ماده یاد شده آمده است، عفو عمومی بر حق خصوصی بی تاثیر است و مرتکب مکلف است نسبت جبران زیان وارده بر دیگری و یا پرداخت دیه در چارچوب مقررات مربوطه اقدام نماید.